

# ارتشاء در فقه اسلامی و بررسی تحلیلی آن

احسان بهجتی\*

چکیده: در این مقاله به دنبال روشن کردن مفهوم واقعی رشوه و جوانب و زوایای مختلف آن بر آمده‌ایم لذا معنای لغوی و اصطلاحی رشوه و نکوهش اسلام از رشوه تبیین شده است. سند حرمت آن با استناد به قرآن و روایات و اجماع ثابت شده است، سپس اقسام رشوه که شامل (رشوه در حکم و رشوه در موضوعات) می باشد تبیین شده و به دنبال آن زوایای پنهان دیگری از مسئله رشوه همچون هدیه و قضاء و فرق رشوه و هدیه و در نهایت نتایج منفی رشوه‌خواری در جامعه بررسی شده است.

در واقع می‌توان گفت که در این تحقیق سعی شده است که ابتدا یک نگاه کلی و در عین حال جامع به مسائل و لوازم و زمینه‌های این مسئله مهم فقهی، حقوقی و اجتماعی و فرهنگی داشته باشیم و سپس با نگاهی دقیق‌تر و جزئی‌تر به توضیح و شفاف‌سازی زمینه‌ها و آثار آن و به طبع آن بررسی عوامل ایجاد این مسئله حساس دینی و اجتماعی بپردازیم و نیز مسائلی که در حاشیه این مطلب مهم مطرح می‌شود، همچنین هدیه و شمول اعم یا اخص رشوه در موضوعات و حکم را با عنایت به دلایل قرآنی و حتی زمینه‌های عقلانی و اجتماعی تبیین نماییم.

**کلیدواژه‌ها:** رشوه، فقه اسلامی، انواع رشوه، پیامدهای رشوه.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، گرایش فقه و فرائض اسلامی، ورودی ۱۳۸۱، دانشگاه امام صادق(ع).

## مقدمه

با عنایت به اهمیت و مبهم بودن مسئله رشوه و با توجه به وجود روایت‌های فراوان در مذمت آن و با عنایت به اینکه هنگامی که باب رشوه گشوده شود هیچ اجتماعی سالم نخواهد ماند و همه احکام و مقررات بازیچه دست هوسبازان می‌گردد و سرمایه بیت‌المال و مردم بر باد می‌رود، مصمم شدیم که مقاله‌ای در این باب به دستداران طریق عدالت تقدیم داریم.

## ۱- معنای لغوی و اصطلاحی رشوه

یکی از موضوع‌هایی که در فقه اسلامی مطرح شده و مورد بحث و گفتگو قرار گرفته، موضوع رشوه است. رشوه در فقه اسلامی یکی از مسائلی است که مورد حرمت قرار گرفته است. رشوه به معنای مالی است که برای ابطال حق و احقاق باطل پرداخت می‌گردد. برخی از بزرگان اهل لغت از جمله صاحب قاموس آن را به جعل معنا کرده است و جعل به معنای اجرتی است که برای عامل در عقد جعله قرار داده می‌شود (فیروزآبادی، ۱۳۶۲: ج ۴، ۳۲۶). کلمه رشوه از رشاء گرفته شده که به معنای ریسمان چاه است و وجه این نامگذاری آن است که راشی بوسیله پرداخت رشوه، می‌خواهد آنچه را در باطن و دل کارگزار است به نفع خود بیرون بکشد. رشوه در اصطلاح فقهی عبارت است از چیزی که متحاکمین مدعی و مدعی علیه به حاکم پرداخت می‌کنند. برخی دیگر معتقدند: رشوه عبارت است از چیزی که شخص به حاکم یا غیر آن می‌دهد تا به سود او حکم کند یا او را به آنچه اراده دارد وادار نماید. مرحوم محقق ثانی، رشوه را به چیزی که یکی از طرفین دعوا آن را بذل می‌کند به حاکم و همچنین در مجامع القاصد آمده است که آن اجرتی که از سوی طرفین برای حاکم تعیین می‌شود رشوه است (محقق کرکی، ۱۳۷۰: ج ۲، ۳۲).

مرحوم علامه حلی نیز همین معنا را در تحریم اخذ رشوه بکار برده و معتقد است: رشوه عبارت است از اینکه کسی به وسیله مضافه و مداهنه به حاجت خود

دست پیدا کند (علامه حلی، بی تا: ج ۲، ۴۰۲). با توجه به آنچه که گذشت به نظر می‌رسد که اهل لغت و فقها عظام معنای دقیق و جامعی برای رشوه ارائه نکرده‌اند ولی آنچه که قدر مسلم از معنای آن استنباط می‌شود این است که رشوه پرداخت و بذل مال به قاضی برای اینکه به نفع باذل، حکم صادر نماید، و قدر متقین از آیه ۱۸۸ سوره بقره می‌توان آن را نیز همین را استنباط کرد.

رشوه در مجمع البحرین چنین تعریف شده است: چیزی که شخص آن را به حاکم یا دیگری می‌دهد تا به نفع او حکم کند یا او را بر آنچه می‌خواهد وادار سازد (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۴۵). رشوه گویند. شایان ذکر است که این کلمه بیشتر در مورد ابطال حف یا پیشبرد باطل اطلاق می‌گردد و در غیر این معنا کمتر استعمال می‌شود.

در «اقراب الموارد» آمده چیزی که برای ابطال حق و یا احقاق باطل و یا برای تملق و چاپلوسی داده می‌شود، رشوه نامیده می‌شود (شرتوتی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۴۰۷). فیروزآبادی در قاموس و صاحب نیل الارب رشوه را جعل دانسته و محقق ثانی (محقق کرکی) گرفتن حق الجعالة از متخاصمین را رشوه می‌نامند (فیروزآبادی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۳).

مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجفی - صاحب کتاب جواهرالکلام - از بعضی از فقها که شرحی بر قواعد علامه نموده اینگونه نقل می‌نماید که: رشوه مطلق جعل نیست - که فیروزآبادی معتقد بود - بلکه بین رشوه و جعل، عموم من وجه است. و نیز رشوه بذل مال برای خصوص باطل نیست چنانکه در نهاییه ابن اثیر آمده است.

و نیز بذل مطلق مال برای باطل نمی‌باشد که در مجمع البحرین مرحوم طریحی ذکر نمود. بلکه حقیقت رشوه عبارت از بذل مال برای حکم است خواه حکم به حق باشد و یا آنکه با باطل و خواه باذل تصریح کند که این مال را برای حکم می‌دهم یا مسکوت بگذارد (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۱۰).

مرحوم سید جواد عاملی در مفتاح الکراره می‌فرماید: رشوه در نظر علمای شیعه مالی است که عطا می‌شود برای حکم فرقی نمی‌کند که حکم به حق باشد، یا باطل (حسینی عاملی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۵۲).

شهید ثانی (ره) در روضه فرموده: رشوت، گرفتن قاضی مالی از متداعین یا یکی از آندو یا از فرد ثالث تا حکم صادر کند یا راه گشای بعضی از طرف حکم شود، تفاوتی نمی‌کند که برای بذل مال به حق یا به باطل حکم نماید (شهید ثانی، [بی‌تا]: ج ۵، ۲۰۰).

آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (ره) در عروه الوثقی می‌فرماید: رشوه، مالی است که به قاضی می‌پردازد که حکم باطل بر له او بکند یا بر له او حکم کند باطل باشد آن حکم یا حق، و یا رویه دفاع را با باذل بیاموزد تا بر خصمش غلبه نماید (یزدی، [بی‌تا]: ج ۱، ۵۳).

تلفظ رشوه به کسر راء و فتح و ضم آن و فتح واو صحیح است ولی معمولاً به ضم راء و کسر آن خوانده می‌شود. مقنن اسلام که به پیامدهای نامطلوب این رویه ناپسند واقف بوده است رشوه را حرام و از گناهان بزرگ قلمداد کرد و مسلمانان را از آن بشدت نهی کرده است.

## ۲- نکوهش اسلام از رشوه

رشوه یکی از گناهان کبیره است، چنانچه علامه طباطبایی آن را از موارد روشن اکل سحت دانسته (طباطبایی، ۱۳۶۵: ج ۷، ۲۰) و امام خمینی (ره) نیز اکل سحت را از گناهان کبیره می‌داند (خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۶: ۲۴۰). از این رو، اسلام رشوه را با شدت مورد نکوهش قرار داده و محکوم می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«اموال یکدیگر را به ناحق نخورید و آن را به حاکمان رشوه ندهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید» (سوره بقره، آیه ۱۸۸).<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«گیرنده و دهنده رشوه و کسی که واسطه بین آن دو است همگی ملعون هستند».

### ۳- مفهوم رشوه

رشوه، آن مزد و مالی است که برای از بین بردن حق دهنده، یا جهت حق نمودن باطلی دریافت نمایند و «رشا» یعنی رشوه داد، منحرف کرد.

رشوه در حکم، برای دهنده و گیرنده آن حرام بوده و در روایت‌ها از آن به عنوان کفر به خدا و رسول، یاد شده است. چنانکه امام صادق (ع) به عمار بن مروان فرمود: «اما ای عمار! رشوه گرفتن در احکام (قضاوت‌ها) کفر به خداوند بزرگ و رسولش (ص) می‌باشد» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۷، ۴۱۱).

و در جای دیگر می‌فرماید:

«رشوه گرفتن در قضاوت از حرام‌خواری است» (نوری، ۱۳۴۰: ج ۱۷، ۳۵۵).

یعنی اشکال کار در گیرنده رشوه است که اکل مال به باطل می‌کند؛ در بعضی از روایات هم می‌بینیم، با چنین رشوه گرفتنی برخورد شده است؛ یکی از فرمانداران پیامبر کرم (ص) رشوه‌ای را در شکل هدیه گرفت. حضرت به او اعتراض کرد و فرمود: چگونه آنچه را حق نیست، می‌گیری؟ او پاسخ داد: ای رسول آنچه من گرفتم، هدیه بود.

پیامبر (ص) فرمود: تو گمان می‌کنی اگر یکی از شما در خانه‌اش بنشیند و کارگزار ما نباشد، مردم چیزی به او هدیه خواهند داد؟ (ابن کثیر، ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۲۶).

امیر المومنین (ع) نیز حقیقت این نوع رشوه را چنینی بیان می‌فرماید:

«شخصی در شب، نزد ما آمد، با ارمغانی در ظرف سر بسته و حلوانی که من آن را دشمن داشته، به آن بدبین بودم، بطوری که گویا با آب دهان یاقیء مار خمیر شده بود» (علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۶۶: خطبه ۱۷۲).

زشتی رشوه سبب می‌شود که رشوه خوار و رشوه دهنده از نامهایی مانند هدیه، تعارف، حق و حساب، حق زحمت و انعام، استفاده کنند؛ ولی روشن است که این تغییر نامها به هیچ وجه، تغییری در ماهیت و زشتی رشوه نمی‌دهد.

#### ۴- سند حرمت آن

حرمت رشوه از ضروریات دین شمرده شده و برای اثبات حرمت آن به دلیل‌های چهارگانه می‌توان استدلال نمود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۴-۱- عتاب خدا

در قرآن می‌خوانیم:

«و اموال یکدیگر را به باطل (و نا حق) در میان خود نخورید و برای تملک لختی از اموال دیگران از راه گناه، پاره‌ای از آن را به قضاوت ندهید در حالی که شما بطلان دعوی خویش را می‌دانید» (سوره بقره، آیه ۱۸۸).

استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی در تفسیر شریف المیزان می‌نویسد: ادلاء مصدر تدلوا یعنی دلو انداختن به چاه برای آب کشی است و از این کلمه فهمیده می‌شود که مراد، رشوه دادن است، همان‌طوری که به وسیله دلوی که آدمی آن را به ته چاه می‌فرستد آب را از چاه بیرون می‌کشد، به همان نحو به وسیله دادن پول و رشوه به حکام مال مردم را به طرف خود جلب می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۵۲). نظیر همین تعبیر را آیت الله مجاهد شیخ محمد جواد بلاغی در آلاء الرحمن ص ۱۶۴ فرموده است. مرحوم شیخ محمد جواد مغنیه در ذیل آیه می‌نویسد: مراد از اثم در اینجا به قرینه سیاق، رشوه است (مغنیه، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۹۱).

آیه دیگر:

«و بسیاری از آنها را بنگری که در گناه و ستمکاری و حرام‌خواری می‌شتابند، چه کار بدی است که پیشه خود ساخته‌اند» (سوره مائده، آیه ۶۱ و ۶۲).

اگر علماء نصاری و یهود پیروان خود را از گفتار زشت و خوردن حرام باز ندارند (بلکه با ملت خود در رشوه خواری و حرامخواری شرکت کنند) آنها هم عمل بسیار زشت مرتکب می‌شوند.

حسن بصری گوید: بنی اسرائیل چینی بودند که هنگامی که دو نفر از آنان به نزد حاکم می‌آمدند، یکی از آن دو در آستینش رشوه بود، که آستین را می‌گشود، و قاضی کلام او را شنید و به نفع او حکم می‌داد و خداوند با عزت و جلال این آیه را فرو فرستاد: «و ابن عباس نیز فرموده که مراد از «واکلهم السحت»، رشوه در حکم است» (وکیع، [بی تا]: ج ۱، ۵۳).

سحت به ضم س، بر وزن فعل در اصل به معنای حدا کردن پوست و نیز به معنی شدت گرسنگی است سپس به مال حرام و نامشروع مخصوصاً رشوه اطلاق گردیده است و مال مسحوت یعنی مال برده شده و از بیخ کنده شده چون مال حرام و رشوه، برکت و صفا را از جامعه انسانی می‌برد همانگونه که کندن پوست درختان سبب از بین رفتن طراوات و پژمردگی آن می‌گردد.

این کلمه در قرآن سه بار استعمال شده و همه در سوره مائده (آیات ۴۲، ۶۲، ۶۳) است اما در روایت‌ها، بسیار زیاد استعمال گردیده و معنای وسیعی دارد و چنانچه در برخی از روایت‌ها از مصداق معینی سخن به میان آمده، به هیچ وجه این دلیل بر اختصاص نیست و ذکر مصداق است. مثلاً در این روایت که رسول خدا (ص) فرمود:

«ان السحت هو الرشوه فی الحکم.»

یا: «من اکل السحت، الرشوه فی الحکم.» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲، ۴۱۲).

#### ۴-۲- سنت

اخبار در خصوص رشوه مستفیض بلکه متواتر است (و لذا لزومی به بررسی اسناد روایات احساس نمی‌شود) در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

امام صادق (ع) خطاب به عمار بن مروان فرمود:

«ای عمار! رشوه گرفتن و حکم نمودن، کفر به خدای بزرگ و پیامبر است» (ابن بابویه، ۱۳۵۸: ۲۱۱).

توضیح: بر رشوه، اطلاق کفر شده و با توصیف خداوند به کلمه عظیم، درجه کفر تأکید شده است. و فی الاحکام قید غالبی است و لذا مفهوم ندارد تا منحصر به رشوه در مقام قضا و صدور حکم باشد و اگر هم غالبی بودن آن پذیرفته نشود گوئیم چون وصف است مفهوم ندارد و لذا از این روایت رشوه در غیره حکم نیز استفاده می‌شود.  
معتبر سماعه از امام صادق (ع) که فرمود:

«رشوه در قضاوت، کفر به خداوند است» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۷، ۴۰۹).

پیامبر (ص): «لعنت خدا بر رشوه گیر و رشوه ده باد».

رسول خدا (ص) فرمود: «بر رشوه خوار و رشوه پرداز در حکم، لعنت خدا باد».

(راشی: رشوه دهنده است، مرتشی: رشوه گیرنده، و رایش: کسی است که میان

آندوتن واسطه می‌شود و کم زیاد می‌کند).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «رشوه گیر و رشوه دهنده، هر دو در آتشند».

رسول خدا (ص) فرمود: «رشوه خوار و رشوه پرداز و دلال آندو ملعونند» (متقی،

۱۳۷۲: ج ۶، ۱۱۳-۱۱۴).

یوسف بن جابر گفت: امام باقر (ع) فرمود: پیامبر خدا لعنت کرد کسی را که به

فرج (شرمگاه) زنی که برای او حلال نیست نگاه کند، و مردی را که درباره زن بردار

مومنش خیانت ورزد و مردی را که مردم به فقه او نیازمندند و او از آنان مطالبه رشوه

نماید (حرعاملی، ۱۳۴۷: ج ۱۸، ۱۶۳).

پیامبر خدا (ص) فرمود: «بر حذر باشید از رشوه چون آن کفر خالص است، و

رشوه خوار بوی بهشت را استشمام نمی‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۰۳، ۲۰۰).

#### ۴-۳- اجماع مسلمین

رشوه به اجماع مسلمین اعم از سنی و شیعه حرام است (گرچه می‌دانیم که با

وجود کتاب و سنت، خود دلیل مستقلی نیست).



محقق ثانی (ره) در جامع المقاصد می‌نویسد:

گرفتن رشوه بر قضاوت به اجماع مسلمانان حرام است خواه قاضی حکم به حف صادر کند، یا باطل، بر له رشوه دهنده یا به ضرر او (محقق کرکی، ۱۳۷۰: ج ۴، ۳۵).

مرحوم آیت الله کنی در قضاء خود می‌نویسد:

«گرفتن رشوه بر قاضی حرام می‌باشد، و دلیل آن اجماع محصل و منقول است که جماعتی از عالمان دین این اجماع را ادعا نموده اند. چنانکه در ریاض است و در مسالک ذکر شده که مسلمانان اتفاق عقیده دارند درباره حرمت گرفتن رشوه بر قاضی و فرماندار و استاندار».

و فقه ماهر، صاحب جواهر (ره) ادعای اجماع محصل و منقول کرده است که گرفتن رشوه در قضاوت حرام است و روایات مستفیضه یا متواتر بر حرمت آن دلالت می‌کند (صاحب جواهر، ۱۳۶۰: ۴۰، ۱۳۱).

شهید ثانی (ره) فرمود: رشوه‌ای که قاضی می‌ستاند به اجماع مسلمین حرام است، خواه به حق برله راشی حکم دهد یا به باطل (شهید ثانی، [بی‌تا]: ۳۰، ۷۰). صاحب مفتاح الکرامه (مرحوم سید جواد عاملی) نیز از جامع المقاصد در رشوه و حاشیه ارشاد اجماع مسلمانان را بر حرمت اخذ رشوه، در خصوص قضاوت را نقل کرده، خواه قاضی به حق حکم صادر نماید یا به باطل، برله راشی یا بر علیه او (حسینی عاملی، ۱۳۷۷: ج ۴، ۴۱).

#### ۴-۴- عقل

بدون شک رشوه حس دشمنی و بدبینی و سنگدلی را در جوامع بشری بیدار ساخته چون رشوه خوار حقوق دیگران را تضییع می‌کند و مانع بزرگی در راه اجرای عدالت اجتماعی به حساب می‌آید و موجب می‌گردد تا قانون که علی‌القاعده باید عهده‌دار منافع تمامی افراد جامعه و مانع زورگویی و حق‌کشی قدرتمندان باشد، به نفع زورمندان که بایستی قوانین آنها را محدود کند در آید و لذا هر عاقلی عواملی که منافع

اجتماعی آنان را متزلزل می‌کند و به مصالح عمومی زیان وارد کند، محکوم دانسته و سعی در از بین بردن آنها را وظیفه تلقی می‌کند.

### ۵- اقسام رشوه

علما و دانشمندان رشوه را بر چند قسم تقسیم کرده‌اند:

#### ۱-۵- رشوه در حکم

قدر متقین از رشوه حرام این نوع از رشوه است که رشوه دهنده به قاضی می‌پردازد تا به نفع او حکم کرده یا راه چیره شدن بر خصمش را به او یاد دهد. البته اگر راشی واقعاً ذیحق باشد و احقاق حق موقوف به پرداخت وجهی باشد بگونه‌ای که اگر نپردازد استیفای حقش ممکن نبوده و در نتیجه ضرر بزرگی متوجه او خواهد شد و حقش تضییع خواهد گردید، در این صورت به دلیل قاعده نفی ضرر، چنین بخششی از باذل جائز و برگیرنده حرام خواهد بود.

#### ۲-۵- رشوه در غیر حکم

به این شکل که به حاکم یا مدیر کل یا استاندار مالی می‌دهد تا با حمایت او ظلم کند یا مرتکب خلافی گردد و یا به خواسته نامشروع و غیر قانونی خود برسد. ابو حمد ساعدی روایت کرده پیامبر خدا (ص) به فردی مأموریت داد تا به نزد قبیله ازد رفته و صدقات و زکوات آنان را جمع‌آوری کند، در بازگشت وی از تحویل چند رأس گوسفند خودداری کرد و گفت این گوسفندان را به خودش به عنوان تعارف داده‌اند.

پیامبر خدا (ص) فرمود:

اگر راست می‌گویی چرا در منزل خود یا پدر و مادرت نشستنی تا این تعارف را برایت بیاورند. سپس افزود چه شده که یکی از شما را برای انجام کاری مأموریت می‌دهم، در بازگشت می‌گوید این از بیت‌المال و این هم تعارفی و نصیب من است، چرا در خانه مادرش نشستنی تا برایش تعارفی بیاید. قسم به آن خدایی که جانم در ید

قدرت اوست، هیچ یک از شما چیزی را به ناحق مگر آنکه در پیشگاه الهی حاضر می‌شود، نشود که در رستاخیز یکی از شما شتری را بیاورد که نعره می‌زند یا گاوی یا گوسفندی را. آنگاه دستان مبارک را بال گرفت بگونه‌ای که سپید زیر بغلش نمایان گردید و فرمود: پروردگارا آیا رساندم؟<sup>۲</sup>

به این روایت بعضی اشکال کرده و آن را ضعیف دانسته‌اند چون مرسله است.

### ۳-۵- رشوه برای رسیدن به امر مباح و دفع ظلم و حق قانونی خود

این نوع از رشوه چنانکه فقهاء فتوی داده‌اند جایز و حلال است، در روایت آمده است که: حفص الاعور از حضرت ابی الحسن (ع) می‌پرسد که عمال و مأموران دولت از ما اجناس را خریداری می‌کنند و افرادی را برای تحویل گرفتن اعزام می‌کنند آیا بر ما جایز است که به آنها رشوه دهیم تا مورد ظلم عمال سلطان واقع نشویم! حضرت فرمود: اشکالی ندارد.

سپس سؤال فرمود: هر گاه به آن وکیل رشوه دهی، از آنچه فروختی و باید تحویل دهد کمتر می‌گیرند؟ عرض کردم آری.

فرمود: رشوه خود را فاسد کردی (حر عاملی، ۱۳۴۷: ۱۲).

و در صحیحه محمد بن مسلم از امام صادق (ع) می‌پرسند که فردی به دیگری رشوه می‌دهد تا از مکانی برخیزد تا آن شخص جایش بنشیند. (آیا جایز است؟)

امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد.<sup>۳</sup>

و روایت کرده‌اند که عبد الله بن مسعود (رضی الله عنه) را در زمین حبشه گرفتند در چیزی، و او دو دینار طلا داد تا او را خلاص کردند (روزبهان، ۱۳۶۲: ۱۵). گرچه این قسم از رشوه حلال است ولی دادن آن مکروه است چون راه رشوه حرام را هموار می‌کند.

### ۶- حکم هدیه گرفتن قاضی

برخی أخذ هدیه قاضی را رشوه قلمداد کرده‌اند.

مخالفین، ادله آنها را جواب داده و در رشوه قرارداد را مقوم آن دانسته و معتقدند در هدایا قراردادی وجود ندارد و روایت‌های مورد استدلال هم از نظر استدلال قابل اعتماد نیستند و لذا دلیلی بر حرمت أخذ هدیه موجود نیست و هدیه گرفتن اکل مال به باطل محسوب نمی‌شود.

اینک شایسته است به بررسی تفاوت بین رشوه با هدیه بپردازیم. بعضی از فقها گفته‌اند:

«رشوه آنست که شرط کننده بر کسی که قبول آن می‌کند ناحق کند جهت او، یا امتناع کند از حکم حق، و هدیه عطیه مطلقه است» (روزبهان، ۱۳۶۲: ۱۶۰۹).

بعضی هم گفته‌اند هدیه رشوه غیر مستقیم است یعنی هبه‌ای است که راشی به قاضی می‌دهد تا نزد او محبوب یا مودتش بیشتر گردد تا در موقع صدور حکم به نحو ناآگاه یا آگاهانه برله او رأی دهد یا باذل را به رویه استدلال آشنا سازد و از این باب است بیع محاباتی، اما رشوه بطور مستقیم برای کارسازی ناحق و رسیدن به مقصود به قاضی داده می‌شود.

در کتاب صنوان القضا گفته صدر الشهد رحمة الله را در ادب قاضی ذکر کرده که هدیه بر سه وجه است، یا حلال است از جانب مهدی و قابض هر دو و یا حلال است از جانب مهدی، و حرام است از جانب قابض، یا حرام است از جانب مهدی و قابض هر دو. اما اول آن هدیه است از برای طلب محبت می‌فرستند که بر هر دو حلال است. و دوم آن که تا کفایت ظلم ظالم کنند، و آن بر دهنده حلال است و بر رساننده حرام، زیرا که مالیت که به رشوت گرفته. و بعضی گویند که مباح نیست دادن، زیرا که تمکین ظالمست بر گرفتن مال حرام، واضح آنست که حرام است بر قابض، زیرا که کف ظلم از او واجب است بی‌مال، و او به دل خوش نمی‌دهد، بل به خوف از او می‌دهد.

و سوم آنست که چیزی به کسی دهد از جهت آن که او را مدد کند، پیش سلطان اگر مقصود او آنست که کاری که بر او حرام است، از جهت او نزد سلطان بسازد، حلال

نیست بر هر دو جانب، و اگر امری حلال است، حلال نیست آن کس را که می‌گیرد، زیرا که قیام به مصالح مسلمانان واجبست (روزبهان، ۱۳۶۲: ۱۵۲-۱۵۳).

خلاصه همه فقها هدایایی را که راشی قبل از صدور حکم به دادرسی پرداخت می‌شود و به لحاظ قرینه‌ای که دلالت می‌کند این بذل جهت صدور حکم برای رفع خصومت معین یا فرضی صورت گرفته، رشوه، و در غیر این صورت هدیه حساب می‌کند.

#### ۷- نتیجه و پیامدهای رشوه‌خواری

حرام خواری و رواج رشوه دادن و رشوه خوردن نتایج و پیامدها و مفسدات زیادی دارد که در زیر به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

##### ۱-۷- فساد مالی و اداری

و ملت را به خاک سیاه نشانند. چنان که در رویارویی امام حسن مجتبی (ع) با معاویه، سرداران لشکر او با رشوه‌های معاویه، با نیروهای تحت امر خویش به معاویه پیوستند و بدین وسیله سپاه امام را در برابر نیروهای معاویه متزلزل کردند و شد آنچه نباید می‌شد.

##### ۲-۷- نقض قوانین و حقوق اجتماعی

از قانون و عدالت جز نامی باقی نخواهد ماند، متخلفین و متجاوزین به حقوق و قوانین اجتماع از اجرای قانون و عدالت نمی‌هراسند، و ستم‌دیدگان و محرومان اجتماع هم از اجرای آن مأیوسند؛ زیرا می‌دانند با تهدستی کسی به فریاد آنها نخواهد رسید.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«سزاوار نیست بخیل، بر ناموس، جان، غنیمتها و احکام مسلمانان، ولایت یابد و امامت آنان را عهده‌دار شود و سزاوار نیست کسی که در حکم رشوه می‌گیرد بر

مسلمانان ولایت یابد، تا حقوق را پایمال کند و آن را چنانکه باید به صاحب حق نرساند. با شیوع (رشوه خواری) و (رشوه بردازی) دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هیچ‌گونه تضمینی برای اجرای هیچ قانونی باقی نمی‌ماند» (علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۶۶: خطبه ۱۷۲).

### ۷-۳- سنگدلی

رشوه خوردن مال حرام است و چون سمی کشنده حیات معنوی دل را نابود می‌کند و آن را چون سنگی جامد و سخت می‌گرداند که دیگر هر گونه سخن حق و پند و اندرزی را نمی‌پذیرد و آه و ناله هیچ مظلومی در او اثر نمی‌کند. چنانکه سخن امام حسین (ع) بر آن تصریح داشت.

افرادی هستند که وقتی کاری را می‌دانند صد در صد گناه است شروع می‌کنند، در وهله اول از این کار ناراحت هستند ولی کم کم با گناه و رشوه انس می‌گیرند و دیگر ناراحت نیستند و گاهی کار به جایی می‌رسد که آن را وظیفه خود بلکه وظیفه دینی خود می‌پندارند.

### ۷-۴- قبول نشدن دعا و عبادت

رشوه از موانع قبولی دعا و عبادت است. رسول اکرم (ص) فرمود:

«کسی که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب نمازش قبول و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی‌شود و هر گوشتی که در بدن او از حرام روییده شود، پس آتش به آن سزاوارتر است».

«هر گاه لقمه حرامی در شکم بنده‌ای قرار گیرد، هر فرشته‌ای در آسمانها و زمین

او را نفرین می‌کند» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۰۳، ۱۷؛ ۲۴).

پس بسیار روشن است که گناه و حرام‌خواری و رشوه خواری سبب می‌شود که

دعا و عبادت بی اثر شود و مورد پذیرش درگاه الهی قرار نگیرد.

## ۷-۵- سختی حساب و عذاب اخروی

فردی که در جمع کردن ثروت توجهی به حلال و حرام نکرده و با رشوه خواری، ثروت اندوخته و روزی خویش را به دست آورده است در این دنیا در دوزخی از آه یتیمان و درماندگان زندگی می‌کند که در آخرت نیز به جهنمی پاینده تبدیل شده دمار از روزگارش درخواهد آورد. قرآن کریم می‌فرماید:

«آنها که اموال یتیمان را از روی ستم می‌خورند، آتش در دل‌های خود می‌خورند» (سوره نساء، آیه ۱۰).

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«کسی که گوشتش از حرام‌خواری روییده باشد، داخل بهشت نخواهد شد و دوزخ برای او سزاوارتر است» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲، ۲۲۶).

اگر گرفتن حق متوقف بر داده رشوه باشد، اسلام اجازه داده است برای جلوگیری از ضرر و رسیدن به حق، انسان رشوه بدهد، ولی در این صورت باز هم گرفتن رشوه حرام است. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«گرفتن رشوه و دادن آن اگر منجر به حکم باطل گردد، حرام است ولی اگر کسی رسیدن به حقش متوقف بر پرداخت رشوه به قاضی باشد برای وی جایزه است، اما برای گیرنده رشوه حرام باشد».

## نتیجه‌گیری

عنایت و تبیین معنای لغوی و اصطلاحی رشوه، به خواننده این توان را می‌دهد که با نگاهی درست و تعریفی صحیح از رشوه وارد مبحث علمی شود لذا در تبیین معنای لغوی و اصطلاحی این مطلب کاربردی و اجتماعی فقهی به این مهم عنایت خاص شده بود. زیرا تفکیک کردن و تمیز دادن مفاهیم از یکدیگر ذهن انسان را باز می‌دارد تا مباحث را با هم حفظ کند و حلال و حرام خداوند را به اشتباه جایگزین یکدیگر سازد. لذا بهترین دستاورد این تحقیق تمیز

دادن مبانی حق از باطل (هدیسه، از رشوه) و وجه تمایز بین معانی لغوی و اصطلاح و جلوگیری از افتادن افراد در خطر رشوه به خاطر جهالت و توجیهاات غیرمنطقی، می‌باشد.

لذا تمیز دادن بین مفهوم رشوه در حکم با مفهوم رشوه در موضوعات به خوبی پاسخ این سؤال را داده است که آیا رشوه فقط در حکم است که حرام می‌باشد یا در موضوعات نیز حرام است و از ویژگی‌های دیگر که مورد توجه قرار گرفت بیان و آوردن دلائل بر این مدعی با استناد به آیات و روایات از ویژگی‌های ممتاز این تحقیق است و طبقه‌بندی جامع اقسام رشوه و تمیز دادن آن از غیر رشوه و بیان حکم آن و شفاف سازی مرزهای آن بر مهمترین رسالت این تحقیق است. و در پایان به بررسی برخی از آثار رشوه پرداخته شده است که امید است در بیان این مهم حق مطلب ادا شده باشد.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ولا تاهكلوا اموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بهالي الحكام لتاكلو فرقا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون.
- ۲- حدیث فوق در منابع بسیاری (با اختلاف اندک) وجود دارد از جمله: سنن بیهقی، ۱۵۸/۴.
- ۳- عن رجل یرشو الرجل علی ان یتحول من منزله فیسکنه. قال: لا باس. وسائل، کتاب التجاره، باب ۱۱۴.

#### فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- ابن ابی جمهور، محمدبن زیدالدین(۱۳۶۱)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه، قم: مطبعه سیدالشهدا.
- ۲- ابن بابویه، محمدبن علی(۱۳۷۴)، الخصال، تهران: ارمغان.



- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۸)، معانی الاخبار، بتصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: دار العرفه.
- ۴- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۳۶۹)، البدایه و النهایه، بیروت: مکتبه المعارف.
- ۵- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۴۷)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۶- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد (۱۳۷۷)، مفتاح الکرام فی شرح قواعد...، قم: جماعه المدرسین الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۷- خمینی، روح الله (۱۳۶۶)، تحریر الوسیله، قم: مطهری.
- ۸- روزبهان، فضل الله (۱۳۶۲)، سلوک المکوک، تهران: خوارزمی.
- ۹- شهید ثانی، زیدالدین بن علی (بی تا)، شرح لمعه الدمشقیه، قم: مکتبه طباطبایی.
- ۱۰- شرتوتی، سعید (۱۳۷۱)، اقرب الموارد فی فصیح العربی هو الشوارد، بیروت: مکتبه لبنان.
- ۱۱- نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۰)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العرب.
- ۱۲- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۵)، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۳- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق احمد الحسینی، تهران: مرتضوی.
- ۱۴- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول (۱۳۶۶)، نهج البلاغه، السید الشریف الرضی، قم: جماعه المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۵- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، قاموس المحيط، بیروت: دار الفکر.
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، اصول کافی، تهران: نور.
- ۱۷- متقی، علی بن حسام الدین (۱۳۷۲)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۲)، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- ۱۹- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۳۷۰)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل‌البیته (ع)، الاحیاء التراث.
- ۲۰- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۲)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الاسلامی.
- ۲۱- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۴۰)، مستدرک الوسائل، تهران: اسلامی.
- ۲۲- وکیع، محمدبن خلف (بی تا)، اخبار القضاة، بیروت: عالم الکتب.
- ۲۳- یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (بی تا)، العروه الوثقی، قم: قدس.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی